

عصر آزادی

روزنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی و سیاسی
 صاحب امتیاز: مؤسسه مطبوعاتی پیمان
 مدیر عامل و مدیر مسئول: سید فرید پیمان
 رییس هیئت مدیره و سردبیر: دکتر سید وحید پیمان
 لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز
 گروه ۳ رتبه بندی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 امتیاز: ۵۵/۶۰

نشانی:

تهران - خیابان حافظ نرسیده به زیر گذر حسن آباد - پلاک ۹۷ - طبقه سوم

صندوق پستی: ۷۱۸۴-۱۵۸۷۵

آدرس تبریز: خیابان المان، جنب بن بست یابوری،

ساخته شده ۸۵ کا ۱ طبقه اول

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۸۴۵۴

مسئول آگهی ها: ۰۹۱۲۴۶۶۰۰

لینک تلگرام: [https:// telegram.me /asrazadi.ir](https://telegram.me/asrazadi.ir)Email: asrazadi@ gmail.comwww.asrazadionline.ir

حسین پارسایی:

پیشداوری نکنیم!

«نبرد رستم و سهراب» موزیکال نیست

حسین پارسایی که این روزها نمایش «نبرد رستم و سهراب» را اجرا می کند، این نمایش را یک اثر ملی در قامت نمایش های ایرانی دانستی و تاکید کرد که این اثر یک نمایش موزیکال یا کنسرت نتاثر نیست.



این کارگردان نتاثر در گفتگو با ایسا با تشریح ویژگی های این اثر نمایشی، تاکید کرد که نمایش های بزرگ و فاخر ملی میهنی باید مورد حمایت بخش دولتی قرار بگیرند.

او که پیش تر نمایش «هفت خان اسفندیار» را اجرا کرده است، درباره پرداختن به شاهنامه در دو اثر نمایشی تازه خود توضیح داد: «نبرد رستم و سهراب» در جهت دغدغه و باور مشترک ما درباره مفهوم وطن روی صحنه می رود. به این معنا که نمایش این باور مشترک را به نمایش می گذارد.

پارسایی با اشاره به علاقه مندی مردم کشورمان به شاهنامه افزود: مردم ما قصه های شاهنامه و به ویژه داستان نبرد رستم و سهراب را دوست می دارند و ما نیز با در نظر گرفتن همین علاقه مندی، تلاش کرده ایم این اثر را با بهره گیری از همه امکانات فنی، ماشینی، نورپردازی، انیمیشن، جلوه های ویژه میدانی و... برای مردم نمایش کنیم.

او اضافه کرد: اجرای نمایش هایی همچون «الیور توئیست»، «بینوایان»، «هفت خان رستم» و... برای تمرینی بودند تا به ساختار مناسبی در رابطه با اجرای نمایش های ملی دست پیدا کنیم؛ کاری که سرشار از شاخصه های نمایش های ملی مان باشد. پیش تر با اجرای «هفت خان اسفندیار» کوشیدیم این نمایش را در سالن روی صحنه بیاورم اما حال در یک میدان بزرگ با بیش از چند هزار تماشاگر مواجهیم و تلاش کرده ایم همه تجربیات پیشین را برای اجرای یک نمایش ایرانی با روح حماسی و آیینی با شاخص های نتاثر ملی تجربه کنیم و البته که همواره مشغول تجربه اندوزی هستیم.

پارسایی درباره اجرای نمایشی بزرگ و پرهزینه در شرایطی که اجرای نتاثر با دشواری های گوناگونی همراه شده است، توضیح داد: اعتقاد این است که نمایش، خود مر می خواند. ما برای چنین تدارکی دعوت می شویم و حال آنکه از ابتدا چنین تصویری برای اجرای کارمان نداریم. اما در رویارویی با شاهنامه و آوردگاه رستم و سهراب، کم کم این شکل از اجرا پدیدار شد و به تدریج از سالن اجرا به فضای باز رسیدیم و محیطی بزرگ همچون استادیوم تنیس را مناسب ترین محل برای اجرای این اثر یافتیم.

او ادامه داد: خوشبختانه با حمایت بخش خصوصی به این اجرا رسیدیم و البته که از آغاز به فرجام کار فکر نمی کنیم که مثلا کار، چه ابعادی خواهد داشت. این نمایش حاصل یک سال و نیم تلاش است که این مهندسی اجرا را ایجاد کرده و در اجرای آن از احشام، نورپردازی و ماشینی کمنظیری در نتاثر این بهره برده ایم. تعداد افراد زیادی علاوه بر بازیگران اصلی در کنارمان هستند. در حد بضاعتمان تلاش کرده ایم نمایشی آبرومند مقابل تماشاگران بگذاریم. ضمن اینکه امیدوارم بعد از این، استادیومی تنیس به عنوان یک پایگاه فرهنگی، مورد استفاده گروه های هنری قرار بگیرد.

سرمقاله

اگر تبریز نبود مشروطه نبود
تبریز بود مشروطه شد

محمد فرج پور باسمنجی

در این سرزمین مستعد پر جنب و جوش کار و تلاش همیشه غلیان و برکتا پو خون و آتش و قیام آذربایجان لچه ها نهفته شده است که مردان کاربلد آن در طول تاریخ و در برهه های حساس ایران لحظه ای برای سر بلندی شکوه و عظمت ملت از پای ننشسته اند. این خاک پاک آذربایجان چه اندازه مستعد پرورش و خاستگاه مردانی شریف و نجیب در طول تاریخ گذشته و معاصر بوده که آوازه های آنان از مرزهای ملی گذشته و زنده یادان تاثیر گذاری همچون دکتر رضا زاده شفق سخران افتتاح سازمان ملل متحد، حسن تقی زاده مدیر نشریه کاوه در المان و نماینده ایران در محافل بین المللی میرزا صادق مستشار الدوله رئیس مجلس شورای ملی و مجلس سنای میرزا یوسف مستشار الدوله سفیر کبیر ایران در دول اروپا و نویسنده کتاب قانون گرگوریان رییس کتابخانه عمومی نیویورک وانسان شناس نامی زنده یاد محمد مصدق بانی ملی شدن نفت و مدافع حقوق یک ملت در سازمانهای جهانی امیر کبیر صدر اعظم کاردان دوره قاجار عباس میرزا شاهزاده نجیب و تجد خواه و صدها دانشمند ادیب شاعر سیاستمدار روشنفکر و مبارز در آن پدیدار شده اند. کار آزموده و ساخته و پرداخته شده اند کمر خدمت برای ایران بسته اند. برای حفظ وحدت انسجام و یکپارچگی و حفظ تمامیت ارضی ایران عزیز جان خود را فدای مین کردند. اصفهان را صفویان آباد قاجارها تهران را مرکز ایران کرده اند. و در دوره استبداد داخلی و استعمار خارجی برای استقرار قانون و پارلمان و پایان بخشی از نظام موروثی پادشاهی را شکل داده اند. مبارزان نامدار آن ستارخان و باقرخان و مجاهدان آذربایجانی حصر تبریز شکسته اند فتح تهران کرده اند. مشروطه را به سرانجام رسانده اند و انقلاب اسلامی را با ۲۹ بهمن - چه سالها و عصرها و روزگاران مباحثات آموخ ایران بزرگ با آذربایجان داشته است. نهضت مشروطه با نام تبریز و آذربایجان عین شده و به قول شادروان دکتر ناصر تکمیل تبریز نبود مشروطه نبود تبریز بود مشروطه شد

انقلاب مشروطه در واقع مجموعه تلاش ها و کوشش ها بصورت نظری و عملی است که یک قرن و ربع در ایران آغاز شد و هدف اصلی آن محدود کردن قدرت شاهان استقرار نظام پارلمانی؛ شکل گیری دمو کراسی؛ استقرار قانون؛ آزادی مطبوعات و عدالت قضایی در ایران بود. منشا این تحولات در واقع دو شهر تبریز و تهران ۸ محسوب میشود. تبریز بدلیل خاستگاه قاجارها که ۷ نفر بودند و ۱۳۷ سال حکومت کردند و این شهر کهن در واقع مهمترین شهر سیاسی و آذربایجان هم مهمترین ایالت ایران بودند. و بدلیل دروازه ورود هرنوع اولین های تمدن و اندیشه با مردان تاثیر گذار آن نقش مننظاری در



شکل گیری و پیروزی نهضت مشروطه و به لرزه در آوردن استبداد داخلی و خارجی ایفا کردند. در نهضت مشروطه نقش اندیشه ورزان بسیار مهم بود که آخوند زاده و طالب اف و رهبران فکری و مذهبی در تبریز نقش مننظاری در این بزرگترین تحول تاریخ معاصر سرزمین ما داشتند.

در کنار آنها وجود مطبوعات آزاد و قوی در تبریز و روزنامه نگاران صاحب منش و انتشار پیشرفت ها و استقرار قانون در

کشورهای اروپا و همچنین درج مقالات روشنفکری نیز در شکل گیری و اشاعه آن در کل کشور کار ساز شدند. در کنار این عوامل تاریخ نویسان معتقدند نبرد مسلحانه و تشکیل فوج های مبارزه به فرماندهی ستارخان و باقرخان در تبریز نیز از علل اصلی سقوط استبداد داخلی بود. زمین گیر شدن قشون دولتی به فرماندهی عین الدوله در اطراف تبریز و همچنین فتح تهران مدیون این مبارزات مسلحانه فرزندان غیرت تبریز است. تشکیل انجمن ها نیز در گرمیت این جریانات آزادی مهم بودند و انجمن ایالتی آذربایجان و جلسات سری و شبانه آنها در خانه مشروطه نیز شعله های قیام مردمی را از تبریز و آذربایجان به تمام کشور از جمله تهران می کشاند که خلاصه منصفان و گویان و تاریخ نویسان نقش تبریز و آذربایجان را در نهضت مشروطه پایه و اساس شکل گیری و تداوم و پیروزی نیم بند آن و استقرار پارلمان و قانون و آزادی های سیاسی می دانند.

در شکل گیری انقلاب مشروطه ایران، نقش تبریز و آذربایجان مثل نقش اسلامبول برای امپراطوری عثمانی قاهره و اسکندریه برای مصر کنکته و بمبئی برای هندوستان بود.

تحولات سرزمین عثمانی قبل از مشروطه که با امضا خط شریف گلخانه اتباع سرزمین های وسیع ترکان عثمانی را در مقابل قانون برابر می دانست و به تشکیل محکمه های عالی قضایی و سازمانهای اداری برای خدمت به مردم می کرد و ارتباط تنگاتنگ شالمغرب ایران در جوار امپراطوری عثمانی بر بیداری مردم می افزود.

در قفقاز نیز حدود ۲۰۰ هزار نفر مهاجر ایرانی در تقبلیس، باکو ایروان و سواحل خزر و ارس که اکثرآ از آذربایجان و شمال بودند نسیم آزادی انقلاب ۱۹۰۵ میلادی روسیه را به داخل کشور می آورد و مرادوات تبریز با شهرهای مهم قفقاز سر تحولات اجتماعی نیز تاثیر گذار می شد. با روزنامه نگاری آگاهی بخش فرزندان تبریز در اسلامبول قاهره، باکو ایروان و تقبلیس تحولات سیاسی و اجتماعی هندوستان و مصر نیز به ایران می رسید.

در مصر قبل از ایران مجلس شورای نواب شکل گرفت و قانون اساسی پدیدار شد و قاهره بهشت روزنامه نگاران جهان اسلام و عرب گشت و الاظهر بزرگترین مرکز تعلیمات اسلامی جهان و نقش دانشمندان آن در معرفی قوانین مترقی اسلام - الهام گرفته از کتاب شریف قرآن عظیم در پاشیدن بدر آگاهی های سیاسی، دینی و مذهبی نقش مهمی ایفا می کردند و در هندوستان نیز کمیانی هند شرقی از هم می پاشید و کنگره ملی هند شکل می گرفت که همه این تحولات منطقه ای در آگاهی ملت ما پدیدار می شد. تبریز و آذربایجان با روز نامه های اختر در اسلامبول و حکمت در قاهره که با فکر فرزندان روزنامه نگار مهاجر خود منتشر می شدند و در تبریز نیز نشریات زیادی از جمله تربیت، ادب، امید، آذربایجان،

مجاهد، مساوات، مدنیت، ندای حق و روز نامه انجمن ملی آذربایجان در آگاهی بخشی افکار عمومی و جلوداری نهضت مشروطه سهمدار بودند. جاده ابریشم - بازار تبریز - مطبوعات - آزادی خواهان مهاجر و برگشتگان از عثمانی و قفقاز؛ و اصلاح گران - خانه سلطنت اولین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا از تبریز کتاب های میرزا یوسف مستشار الدوله طالب اوف / آخوند زاده های المعبدين مرغاهی / میرزا حسن خان رشیدی و... که همگی از خاک پاک آذربایجان بودند و زندگی به تحولات عثمانی، فرنگ، قفقاز و سیل جمعیت مبارز و آگاه تبریز، گرمیت کانسون قیام و جنبش و مبارزه سرزمین قیام و خون و قیام نهضت مشروطه ایران را شعله ور می ساخت و شکل می داد.

با این حال سالهاست که دوستداران آزادی و سرافزای ایران عزیز پیششاه دارند که روز ۱۴ مرداد که فرمان مشروطه صادر شده و آزادی های سیاسی و پارلمانی و استقرار نهادهای قانون مدار رسمیت یافته و نام تبریز کهن با آن عین شده است این روز بزرگ به صورت رسمی و ملی به نام تبریز نام گذاری شود تا نسل جوان و آینده بدانند تبریز شهر ذرذانه ای ایران در تاریخ تحولات گذشته و معاصر چه نقش پررنگی ایفا کرده و آزادی و استقرار قانون و پارلمان و حفظ یکپارچگی ایران کنونی مدیون فرزندان آگاه و مبارز آن بوده است.

مولانا ۸۰۰ سال پیش چه زیبا در شکوه و عظمت تبریز این شهر بزرگ، یکه تاز و چند سر و گردن از تمام شهرهای بزرگ و یکپارچگی و حفظ ایران کنونی برجسته تر است و من بعنوان یک معلم تاریخ در مقابل عظمت و شکوه تبریز و نقش آفرینی آن در تاریخ ایران سر تعظیم فرود می آورم و خدا را شاکرم که این شهر با مردان بزرگ و تحولات عظیم هنوز زنده و پویا است.

این استاد تاریخ دانشگاه تهران معتقد است انتقال پایتخت ایران صفوی از تبریز به قزوین به بهانه شیوع طاعون در آذربایجان و کاهش قدرت برخی قزلباشان و فشارهای قشون عثمانی نتوانست از شکوه و نقش آفرینی آن در پیشسازی آگاهی ملت ایران بکاهد و باره مشروطه و تبریز گفت: اگر تبریز نبود مشروطه نبود. تبریز بود مشروطه شد. و به قول شادروان دکتر محمد صدوق همه ما به آذربایجان مدیونیم... در همین سال دکتر سیروس برادران شکوهی استاد به نام تاریخ دانشگاه تبریز نیز گفت: در تاریخ شکل گیری تحولات اجتماعی و سیاسی مردم جهان، نام شهر تاریخ ساز تبریز می درخشد چرا که نقش بی بدیل تبریز و آذربایجان در پیروزی نهضت مشروطه سراغز تحولات آگاهی بخش در منطقه آسیا است.

واقعیت این است که کارشناسان و محققان وقتی تحولات سوال های مشروطه و به ویژه از سال ۱۲۷۰ ه.ش تا ۱۲۸۴ ه.ش را مطالعه می کنند همه اعتراف دارند که بذر آگاهی برای زمینه سازی مشروطه و محدود کردن حکومت مطلقه شاهنشاهی و تشکیل پارلمان مردمی و آزادی مطبوعات و انجمن ها و تدوین قانون همه و همه از تبریز نشأت گرفته

■ هر زمان تبریز قهرمان

بیدار شده ایران بیدار

شده است.

■ فرزندان آذربایجان

اصفهان را آباد و تهران را

مرکز ایران کرده اند.

■ در نهضت

مشروطه مجاهدان و

مبارزان آذربایجانی حصر

تبریز شکستند و تهران را

فتح کردند.

گفتگوی "عصر آزادی" با یک پزشک جوان آذربایجانی که با شعر و ادبیات مانوس است؛

تاثیر قصه های کهن آذربایجان بر ذوق هنری یک پزشک شاعر

رضا نعمتی: رشد در میاندوآب و در کرانه رودهای جغتای و تئاتر اولین جرقه های احساسی را در من ایجاد کرد

اسما به دلیل حوادث آن سال و همزمان گذراندن دوره طرح این امر فراهم نشد، فارغ التحصیلی و شروع به کار در زمینه پزشکی لاجرم باعث گردید از فضای شعر کمی فاصله گرفته و امکان چاپ کتاب که اتفاقاً آماده چاپ بود میسر نشد. سال ها بعد، این کتاب به پیششاه یکی از دوستان از طریق انتشارات عمیدی چاپ گردید. نگاه شما به ادبیات و هدف شما از خلق اثر آثر تاثیر گذاری است یا صرفاً جهت تخلیه خودتان می نویسید؟

در ۳۰ سال گذشته صرفاً برای خودم نوشته ام، بدون اینکه حتی با قصد چاپ و انتشار آنها را داشته باشم. سال های طولانی برای خودم نوشته ام. برای اینکه خودم را آرام کرده و لذتی برای خودم باشد، اما از جهتی مانند هر انسان دیگری که از تسویق شدن و دیده شدن خوشش می آید و به عنوان جایزه برای انسان محسوب می شود، من هم در مقدمه کتاب شعر نوشته بودم که این ابیات را ابتدا برای دل خود نوشته ام و بعد برای شما خواننده محترم سروده ام زیرا همه ما حسی جادویی داریم که وقتی آنها را در قالب شعر یا داستان مطرح می کنیم، متوجه می شویم که انسان های دیگری نیز با ما در این حس مشترک هستند.

کتاب دوم شما "کوه تاریک جهان"، مجموعه اشعارتان است که چندی قبل توسط انتشارات نظامی به چاپ رسید... مقداری توضیح دهید.

"کوه تاریک جهان" اسیم کتاب شعری بود که گزیده شعرهای ۳۰ سال گذشته ام را در آن به چاپ رساندم، ۷۱ قطعه شعر انتخاب شد که شامل غزل مثنوی، شعر سپید و دیگر سبک ها و قالبهاست و همچنین گزیده برخی وزنهای جدید شعری که از سال ۱۳۷۴ تا ۱۴۰۲ را شامل می شود، این کتاب در فرمت حرفه ای چاپ شد، در لحاظ فانتورهای انتشاراتی، یک کتاب حرفه ای بود، در سازمان نظام پزشکی تبریز رونمایی آن صورت گرفت و دکتر امیرعلی آذر طلعت، شاعر و غزلسرای فرهیخته، در نقد کتاب صحبت کردند.

آخرین کتابم "درخت سیمان خوار" نام دارد که کار مشترک بنده و محسن بایرام نژاد شامل مجموعه عکس نوشته یا فوتوکست هاست. عکس های این کتاب توسط محسن بایرام نژاد ثبت شده و من به تناسب حس عاطفی ام برای آنها متن نوشته ام که این متون شامل شعر، نثر، طرح واره و گاهی قطعات بلند است که امیدوارم با ذائقه مخاطبان همخوانی داشته باشد.



نویسنده ها رفته اند؟

در حوزه ادبیات کلاسیک، روسیه را شروع کردم؛ امثال داستایوفسکی، چخوف، گوگول، اوکوف، شولوخوف، گورکی را خواندم، در ادامه به سراغ ادبیات فرانسه رفتم، هوگو را زیاد دوست داشتم، سارتر و کامو هم جزو نویسندگان مورد علاقه ام هستند مانند برتراند راسل و ژان ژاک روسو و از ادبیات امریکا نیز به آثار فاکتور و ارنست همینگوی، از امریکا لاتین آثار ساباتو، ماریو بارگاس یوسا و در ادبیات ترکیه نیز اورهان پاموک، اورهان سونمز، اوغوز آتای، ناطق حکمت، یاشار کمال و صباح الدین علی آثار ارزشمندی دارند که آنها را مطالعه کرده ام.

در ادبیات ایران نیز آثار غلامحسین ساعدی، رضا برهانی و از نسل های قبل صادق هدایت، چوبک، جمال زاده، گلشیری و بهرام صادقی را خوانده ام و بسیاری نیز به آنها علاقه دارم، از نویسندگان معاصر جعفر مدرس صادقی و شهریار مندنی پور نویسندگانی هستند که آثارشان را مطالعه می کنم.

در خصوص کتاب های خودتان هم کمی صحبت کنیم؛ چگونه "ادای عاشقی" اولین کتاب تالیفی شما شد؟

"ادای عاشقی" مجموعه شعرهایی بود که تا سال ۱۳۸۸ سروده بودم، آن موقع قرار بود یکی از نویسندگان مطرحی همچون خاتم سیمین بهبهانی یا خاتم پوران فرخزاد مقدمه ای برای آن بنویسند

داه و به محتوا اهمیت بیشتری می دهم و به نوعی محتواگرا هستم، با این حال معتقدم اگر می خواهیم نام اثر هنری بر آن بگذاریم باید فرم درست کار و تکنیک های صحیح را هم در نظر بگیریم و هم به کار. لذا زبان شاسان بزرگ همچون ویکشتاین، لاکان یا نوام چامسکی که اخیرا در گذشت در خصوص کلمه شناسی، زیاد کار کرده اند و من روی کلمه در مکالمات عادی، چه در شعر و داستان و چه در مواجهه با مراجعه کنندگان و بیماران وسواس زیادی دارم لذا مطالعه ادبیات از این منظر هم به من کمک بزرگی کرد زیرا وقتی کلمات درستی انتخاب می کنیم با انسان ها بهتر می توانیم ارتباط برقرار کرده و به مسیر درست تری هدایت می شویم.

امیدآفرینی را از رسالت های یک نویسنده می دانید؟

امیدآفرینی کاذب را نه، زیرا انسان باید واقع بینانه نگاه کند ولی اگر تیرگی هست باید آن را نوشت. من معتقد نیستم که به سمت هنر سنیه برویم در ادبیات ایرانی چیزی که من را آشفته می کند این است که به همه چیز سیاه نگریسته می شود اما در این طرف هم نامی همچون دکتر ساعدی وجود دارد و معتقد نیستم که ایشان در آثار خود سیاه نمایی کرده باشد؛ بلکه میالغه و بزرگنمایی بوده است به طوری که ایشان می خوانند کزی و کاستی ها را بزرگ جلوه دهند تا با انسان ها بهتر می توانیم ارتباط برقرار کرده و به مسیر درست از میان آثار ایرانی و خارجی که نام بردید سراغ کدام



بله! علاوه بر آن پدرم اصلی ترین مشوق من در این راه شد. کلاس سوم ابتدایی را می خواندم، و وقتی در یکی از درس ها نمره خوبی گرفتم پدرم کتاب الیور توئیست را هدیه داد. او یک فصل از کتاب را برایم خواند و بقیه کتاب را بست. گفتم پس بقیه کتاب چه شد؟ گفت اگر بخوای بقیه اش را خودت می خوانی و اینطور شد که لاجرم وارد دنیای کتابخوانی شدم. بعد از آن که الیور توئیست را خواندم عظیم به کتاب بیشتر شد.

در هر مقطع تصمیم می گیرید که به کدام سو بیشتر حرکت کنید؟

مطالعه ام را از داستان های کلاسیک شروع کردم، ادبیات روسیه و فرانسه و چک را خواندم، سپس با جریان سیال ذهن و رئالیسم جادویی در امریکا لاتین و پیست مدرن های اخیر آشنا شدم. در طول ۳۰ سال گذشته در کنار اپنر، آثار جدی جامعه شناسی و فلسفی را در کنار دوستان مطالعه و بحث کردیم که بتوانیم جهان بینی و نگاه بهتری پیدا کنیم و به طور جدی از این سمت و سو به شعر و داستان گرایش پیدا کردیم.

خوانش و مطالعه آثار فراوانی که نام بردید در آگاهی و نویسندگی شما هم موثر بود؟

در شعر و داستان، ایده خاصی برای خود دارم و معتقدم کلمات بسیار مهم هستند؛ از همین رو در انتخاب کلمات وسواس خاصی به خرج

عصر آزادی / شهرام صادوق زاده: "درخت سیمان خوار" مجموعه عکس نوشتنی است که به همت "رضا نعمتی" پزشک، شاعر و نویسنده و "محسن بایرام نژاد" هنرمند و عکاس آذربایجانی منتشر شده و در یک روز جمعه گرم مرداد ۱۴۰۳ در حضور هنردوستان و علاقه مندان حوزه فرهنگ رونمایی گردید و جالب اینکه نمایشگاه تصاویر مرتبط با این کتاب نیز در تالار استاد فاسونکی مجموعه فرهنگی - هنری ناجی تبریز در معرض نمایش عموم قرار گرفت.

دکتر "رضا نعمتی" از جمله پزشکانی است که سالهاست در زمینه نویسندگی فعالیت دارد، متخصص پوست، مو و زیبایی است و اوقات فراغت خود را به مطالعه اختصاص می دهد و تاکنون دو مجموعه شعر به نام های "ادای عاشقی" و "کوه تاریک جهان" را به چاپ رسانده است او معتقد است نویسنده و هنرمند باید خودش آدم سلیم النفسی باشد و وقتی کسی با او صحبت می کند به حرکت امیدوار شود نه خودمگی؛ در واقع انتظار دارد ادبیات حرکتی به او بدهد و آن ادبیاتی که منفعلش کرده و به گوشه عزلت بکشاند را نمی خواهد. به بهانه آیین امضای کتاب "درخت سیمان خوار" و کتاب رمان جدیدی که به نویسندگی رضا نعمتی در مراحل چاپ قرار گرفته و در ماههای آینده روانه بازار کتاب خواهد شد، با این پزشک شاعر و نویسنده جوان آذربایجانی به گفتگوشنستیم

ایم که نظر نترتان می گذرد.

از خودتان بگوئید و اینکه چگونه به تالیف کتاب علاقه مند شدید؟

مهر ماه ۱۳۵۶ در شاهین دژ استان آذربایجان غربی به دنیا آمدم و بزرگ شده میاندوآب یا همان قوشچای هستم، آن موقع سن شانسه ام را یک ماه زودتر و برای شهرپور گرفتند تا یکسال زودتر به مدرسه بروم، رشد در میاندوآب و در کرانه رودهای جغتای و تاتانو، اولین جرقه های احساسی را در من ایجاد کرد. اگر در شعر شاعران آذربایجان دقت کنید از نمادهای طبیعت همچون جنگل، کوه، اسب و نمادهای مشابه زیاد سخن به میان آمده و از آنجایی که کودکی ام را کنار رودخانه گذراندم، آب منبع الهام بزرگی برای من شده است. تابستان ها به روستای پدری می رفتم و کل تابستان را در آنجا می ماندم. گوش خابیم از کودکی به قصه های کهن آذربایجان عادت کرده و این قصه ها، شبها و سکوت روستا بر روی ذوق هنری من تاثیر گذاشت.

یعنی علاقه به داستان نویسی از زمان قصه گوئی پدر بزرگ در شما شکل گرفت؟